

## بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم شهر کابل به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در زمینه مصرف در اسلام

صادق علی موحدمنش<sup>۱</sup>

محمد غفاری فرد<sup>۲</sup>

زین الله صادقی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۳۱

### چکیده

رفتارهای اقتصادی فرد مسلمان، یکی از مهم‌ترین رفتارهای اجتماعی است که زندگی شخصی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از مهم‌ترین نوع رفتارهای اقتصادی، مصرف می‌باشد. در بخش مصرف ۷ اصل از متون دینی استخراج گردیده است. جامعه آماری مردم شهر کابل می‌باشد و تعداد نمونه توسط فرمول کوکران ۳۱۴ نفر در بخش مصرف تعیین گردیده است. اطلاعات نمونه مذکور به احتمال ۹۵ درصد قبل تعمیم به کل جمعیت آماری می‌باشد. اطلاعات آماری توسط پرسشنامه گرداواری شده و از طریق نرم‌افزار SPSS 21 و Excel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بخش مصرف از میان متغیرهای مستقل، بیشترین رابطه را در التزام به اصول مربوطه متغیرهای سن، تحصیلات، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار دارا می‌باشد و در بخش اعتقاد به اصول مربوط به مصرف، متغیرهای تحصیلات و متوسط درآمد ماهانه خانوار بیشتر از سایر متغیرها تأثیرگذار است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که به طور متوسط ۵۳,۴ درصد جامعه پابند به اصول مربوطه در حوزه مصرف می‌باشند و ۵۰,۳ درصد افراد جامعه به اصول مذکور اعتقاد دارند. آزمون کای دو و t تک نمونه‌ای این امر را تصدیق می‌دارد. به طور کل می‌توان گفت که بیش از نصف جامعه به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام در حوزه مصرف التزام و اعتقاد دارند و بین درجه التزام و اعتقاد مردم به اصول مربوط به مصرف تفاوت قابل توجهی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، فرهنگ، مصرف، التزام، اعتقاد، معناداری

طبقه‌بندی JEL: C12, D01, D12, R21

---

movahedmanesh@yahoo.com

mghunivers1390@gmail.com

sadegi\_zain@yahoo.com

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بین‌المللی اهل بیت<sup>(۱)</sup>

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی اهل بیت<sup>(۲)</sup>

## مقدمه

در جامعه اسلامی مسلمانان ملزم به اجرای اوامر و نواهی که خداوند (ج) برای بشریت بیان داشته است، می‌باشد. یک بخش از این اوامر و نواهی مربوط به رفتارهای اقتصادی فرد مسلمان در زمینه مصرف می‌باشد. در تحقیق حاضر سعی گردیده است تا چگونگی التزام و اعتقاد مردم را به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام در شهر کابل و همچنان رابطه میان التزام و اعتقاد مردم را مورد بررسی قرار دهد.

انسان در عرصه زندگی خویش و در جهت نیل به سعادت، دست به فعالیت‌های مختلفی می‌زند تا مسیر حرکت خود را هموارتر سازد که از جمله آنها، فعالیت‌های اقتصادی است. به همین دلیل، توجه به ریشه‌ها و شناخت ماهیت اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی و عملکرد مردم به رفتارهای اقتصاد، راه‌گشای مطالعات و بررسی‌های عمیق در آینده خواهد گردید.

شهید صدر در کتاب اقتصادنا بیان می‌کند: "اقتصاد اسلامی امکان ندارد که به طور حقیقی و با چهره اصلی اش نمودار شود مگر اینکه این اقتصاد در متن زندگی پیاده شود" (صدر، ۱۳۵۰، ص ۴۰۸). منظور از پیاده شدن اقتصاد اسلامی در زندگی، تطابق پیداکردن نسبی با کامل رفتارهای تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان با آموزه‌های اقتصادی اسلام است. برای پی بردن به اهمیت فعالیت‌های اقتصادی، توجه به این مطلب لازم است که انسان موجود دو بعدی است و لذا دارای گرایش‌های گوناگون مادی و معنوی است. انسان چاره‌ای ندارد، جز اینکه با استفاده از اختیار و حق انتخاب خدادادی، گرایش‌های معنوی خود را ضمن تأمین گرایش‌های مادی و در وضعیتی متعادل پاسخ گوید و نیل به کمال نهایی و قرب الهی را از رهگذر زندگی مادی به دست آورد؛ بنابراین انسان در میان دو نیروی متقاضی قرارگرفته است و با داشتن حق انتخاب، مجبور است مسیر زندگی خود را در دنیا، به سوی آخرت، طی نماید.

بنابراین، پرداختن به مسئله التزام و اعتقاد مردم شهر کابل به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در زمینه مصرف در اسلام از موضوعاتی اساسی در این پژوهش می‌باشد. عمل کردن به این رفتارها و اعتقاد داشتن، مواردی است که به بررسی خواهیم گرفت.

کشور افغانستان جمهوری اسلامی است و اکثریت باشندگان آن مسلمان می‌باشد؛ اما نظام اقتصادی حاکم در این کشور، نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. لذا ضرورت است تا رفتارهای اقتصادی مردم متناسب با نظام اقتصاد اسلامی بررسی گردیده و میزان التزام و اعتقاد آنان به این رفتارها مورد تحقیق قرار گیرد. بنابراین سؤال اصلی در تحقیق حاضر عبارت است از میزان التزام و اعتقاد مردم شهر کابل به رفتارهای اقتصادی مطلوب در زمینه مصرف در اسلام چگونه است؟ و رابطه معناداری بین کدام یک از متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد؟

این پژوهش در چهار بخش تقسیم گردیده که در بخش اول چکیده، مقدمه و کلیات تحقیق، در بخش دوم مبانی نظری تحقیق، در بخش سوم تجزیه و تحلیل داده‌ها و در بخش چهارم به نتیجه‌گیری و ذکر منابع پرداخته شده است.

### روش تحقیق

روش تحقیق در بخش مطالعات نظری مشخصاً، مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. در بخش مطالعات میدانی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق تکمیل پرسش‌نامه صورت گرفته و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های شناخته‌شده در آمار توصیفی استفاده می‌شود، درواقع می‌توان روش مورد استفاده را روش توصیفی-مقطعي دانست؛ که با استفاده از آمار استنباطی و نرم‌افزار Excel و SPSS به سؤالات تحقیق پاسخ داده می‌شود. رابطه معناداری بین متغیرها پس از طبقه‌بندی اطلاعات، از طریق محاسبه کی دو صورت می‌گیرد. جامعه آماری مردم شهر کابل و تعداد نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد که توسط فرمول کوکران به دست آمده است.

$$n = \frac{\frac{t^2.p.q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2.p.q}{d^2} - 1 \right)}$$

متغیر وابسته در این تحقیق اصول مربوط به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام در بخش تولید و مبادله بوده و متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: جنس، سن، سطح تحصیلات، وضع تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار.

### صرف در اسلام

#### ۱. تعریف و اهمیت صرف

صادقی شاهدانی و همکاران، به نقل از لغتنامه آکسفورد صرف را این‌گونه معنا نموده است: مهیاکردن، استفاده کردن، بلعیدن، خوردن، نوشیدن (۱۳۹۲، ص ۱۳۴). صرف به معنای به کاربردن کالاها و خدمات برای اجابت خواسته‌های انسانی یا به دیگر سخن، از میان بردن مطلوبیت است (تاری و غلامی باغی، ۱۳۹۰). صرف، عبارت است از ارزش‌های پولی کالاها و خدماتی که به وسیله افراد خریداری و تهیه می‌شود (اخوی، ۱۳۸۰). در اقتصاد سرمایه‌داری هدف

نهایی از مصرف افزایش مطلوبیت است. مطلوبیت عبارت از قاعده و رضای خاطری است که انسان از مصرف کالا یا خدمات به دست می‌آورد و در این دیدگاه، سعادت آدمی در بهدست آوردن بیشترین لذت است و این لذت بیشتر جنبه مادی و دنیوی داشته و مربوط به زمان حال است (ایروانی و دیگران، ۱۳۹۱). نیاز رفع احتیاج، اساس مصرف انسان است. لذا می‌توان گفت مصرف انسان عبارت از استفاده از کالا و خدمات جهت رفع نیازهای (مادی و معنوی) انسان است. اسلام صرفاً به جنبه‌های مادی مصرف توجه نکرده بلکه حتی مصارف مادی می‌تواند وسیله‌ای برای نیاز به کمال باشد. امروزه الگو و سطح مصرف جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا مصرف علاوه بر اینکه به عنوان هدف تولید و توزیع سایر فعالیت‌های اقتصادی مطرح است، در عین حال تغییرات مصرف، تأثیرات قابل توجهی بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر سطح تولید، پس‌انداز، استغال، بیکاری، تورم و ... می‌تواند داشته باشد. به عبارت دیگر تغییر در سطح و الگوی مصرف در یک جامعه هم می‌تواند به بهبودی متغیرهای کلان کمک کند و هم وضع آنها را بدتر سازد (موسائی، ۱۳۸۲).

بنابراین مصرف از نگاه دین، دو گونه است: مصرف انسانی و مصرف حیوانی. آنچه موجب تمایز این دو گونه مصرف می‌شود، دو امر است: یکی نحوه مصرف و دیگری آنچه که مصرف می‌شود. مصرف انسانی همواره با تقوی، شکر، عمل صالح و عبادت همراه است و فقط به حلال و طیب تعلق می‌گیرد، ولی مصرف حیوانی، طغیان‌گرانه و فساد برانگیز است و موجب غفلت و تنزل شأن والای انسان می‌شود (ایروانی و دیگران، ۱۳۹۱).

## ۲. انواع مصرف

از دیدگاه اسلام مصرف به پنج دسته تقسیم گردیده است:

**الف - مصارف واجب (لازم):** شامل مصرف برای اداره حیات و حفظ نفس، مصرف برای حفظ حیات افراد تحت تکفل انسان، مصرف برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان در خطر است، مصرف برای انجام واجبات عبادی مانند پرداخت اتفاقات واجب و ... است (محسنی زنوزی و همکاران، ۱۳۹۱).

**ب - مصارف مستحب (راجح):** شامل مصرف بیش از حد کفاف و توسعه زندگی در صورت نبودن افراد نیازمند در جامعه، اتفاقات و صدقات مستحب و ... است (همان).

**ج - مصارف حرام:** شامل مصرف اشیایی که ذاتاً مطهر نیستند و مصارف نامشروع و مصارفی که آثار اقتصادی آنها ضرر و زیان به مصالح جامعه اسلامی می‌زنند، مصرف مسرفانه و مصارف حرام که در منابع دینی آمده است (همان).

**د- مصارف مکروه (مرجوح):** شامل مصرف بیش از مقدار متعارف هر شخص باوجود نیاز بیشتر

برادران مؤمن است. سختگیری در مخارج زندگی (نقتیر) نیز از آن جمله است (همان).

**ه- مصارف مباح:** شامل هر موردی است که یکی از احکام بالا را نداشته باشد (همان).

## ۱-۲. مصارف واجب (لازم)

مصارف واجب به پنج دسته تقسیم می‌گردد:

**الف-** «مقدار مصرفی که برای ادامه حیات انسان و حفظ نفس از ابتلا به امراض و ناراحتی‌های بدنی و روحی لازم است، از نظر اسلام در تقسیم‌بندی مصارف واجب جای می‌گیرد. اسلام اجازه نمی‌دهد آنچه را که خداوند به عنوان نعمت‌های خوبیش در اختیار بشر قرار داده است، متربوک و بدون استفاده باقی بماند و استفاده از این نعمت‌ها را در حد حفظ نفس انسان واجب می‌داند» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳).

«فَامْشُوا فِي مَنَابِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (ملک، آیه ۱۵)

«در اطراف زمین بروید و از روزی خداوند بخورید و بازگشت شما به سوی اوست».

**ب-** «مصارفی که مربوط به افراد تحت تکفل انسان می‌باشد نیز واجب است و باید نیازمندی‌های متعارف زندگی همسر و فرزندان خود را تأمین کند. همچنین در صورت عدم توانایی پدر و مادر تأمین زندگی و مخارج متعارف آنان به عهده فرزند دارای درآمد آنان است» (همان). در الوسیله آمده است: «لَا تَقْدِيرْ فِي نَفْقَهِ الْأَقْارَبِ، بَلِ الْوَاجِبِ قَرْفُ الْكَفَايَةِ مِنَ الطَّعَامِ وَالْأَدَامِ وَالْكَسُوَّهِ وَالْأَمْسَكُنِ مَعَ مَلَاحِظَهِ الْحَالِ وَالشَّانِ وَالزَّمَانِ وَالْمَكَانِ» (۳۲۱ / ۲)

«در نفقة نزدیکان، اندازه معینی نیست، بلکه مقدار کفايت از نان و خوراک و پوشак و مسکن واجب است، با ملاحظه حال و شأن و زمان و مکان».

**ج-** «تأمین مقدار لازم برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان در خطر است. گرچه آنان به طور معمول، جزء عائله فرد محسوب نمی‌گردد» (موسائی، ۱۳۸۲).

**د-** «واجبات عبادی که انجام آنها مستلزم مصرف و صرف مال است؛ مانند حج، زیارت، زکات، کفارات و ...» (پژوهشگاه حوزه و دانشگام، ۱۳۹۳).

**ه-** اسلام، نه تنها رفع گرسنگی سایر انسان‌ها را در حد حفظ نفس، واجب قرار داده، بلکه رفع

گرسنگی و تشنجی حیواناتی را هم که در اختیار انسان هستند، الزامی می‌داند (همان، ص ۲۸۹).

در اسلام این نوع مصارف، واجب قرار داده شده است و باید انجام گیرد. اکثر این مصارف، جزء مصرف ثابت به حساب آمده و ربطی به سطح درآمد بستگی ندارد زیرا از جمله مصارفی است که بدون آن امکان ادامه حیات وجود ندارد.

از نظر چگونگی تأثیر این مصارف بر متغیرهای مهم اقتصادی، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته مصارفی است که فرد به مصرف خود می‌رساند و یک دسته مصارف الزامی و واجبی است که به مصارف دیگران می‌رساند. این دسته دوم از آن مصارفی است که می‌توان از آن به عنوان «ویژگی خاص مصرف فرد و یا جامعه اسلامی» یاد کرد که با مصرف سایر نظامهای اقتصادی مادی تفاوت دارد. این دسته از مصارف موجب توزیع ثروت در میان افراد جامعه را نیز بر عهده دارد و ضمن رفع فقر، سطح دارایی افراد جامعه را به یک حالت متوازن نیز نزدیک می‌گرداند، علاوه بر اینکه از لحاظ تربیتی و روانی نیز دارای آثار قابل توجهی در زمینه رشد احساسات و عواطف انسانی و ایجاد روحیه همدلی و محبت و گذشت و آرامش و امنیت فردی و اجتماعی است (موسائی، ۱۳۸۲)؛ بنابراین مصارف واجب عبارت خواهد بود از: مصرف برای اداره حیات و حفظ نفس، مصرف برای حفظ حیات افراد تحت تکفل انسان، مصرف برای حفظ جان انسان‌هایی که جانشان در خطر است، مصرف برای انجام واجبات عبادی مانند پرداخت انفاقات واجب ... است.

زکات از جمله انفاقات واجب است و حق مالی است که از جهتی عبادت و از جهت دیگر وظیفه اجتماعی است؛ در حقیقت زکات حقی از اجتماع در گردن فرد است تا ضامن کفایت گروههایی از اجتماع باشد که نقصان امکانات دارند، اسلام به خاطر زدودن فاصله طبقاتی، نابرابری‌ها، تطهیر مال، شکرگزاری از نعمات الهی و ... قانون زکات را آورده و آن را فریضه مالی و حقی برای مستحقان قرار داده است (سید قطب، ۱۳۷۹).

## ۲-۲. مصارف مستحب (راجح)

این‌گونه مصارف به منظور جلب رضای الهی، اهداف خداپسندانه و خیرخواهانه و کسب ثواب صورت می‌گیرد. خداوند در آیات فراوانی نعمت‌های خوبی را برمی‌شمرد و انسان‌ها را به استفاده از آنها تشویق می‌کند تا بدین‌وسیله انسان به نعمت‌دهنده توجه کند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لِسَيَا فِي مَسْكُنَهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينِ وَ شِمَالِ كُلُّوا مِنْ رِزْقٍ رَبُّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةً طَيِّبَةً وَ رَبِّ غَفُورٍ (سبا / ۱۵)»

«برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (برگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آنها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزند (و مهریان)» همچنان در روایات فراوانی استفاده از کالا و خدمات توصیه شده است و رجحان استفاده موردنمود توجه قرار گرفته است.

علی (ع) در نامه خویش به حارث همدانی می‌فرماید:

«... واستصلاح كل نعمه انعمها الله عليك و لا تضييعنَّ نعمهً من نعم الله عندك، ولير عليك أثر ما انعم الله به عليك» (نهج البلاغه / نامه ۶۹ / ص ۷۲۶)

«هر نعمتی که خداوند ارزانیت داشته در راه صلاح هزینه کن و هیچ یک از نعمت‌های خدا را تباہ مکن. باید نشان نعمتی که خداوند عطایت کرده در تو دیده شود.»

قرض الحسنہ نیز از جمله موارد مصرفی راجح در اسلام می‌باشد و از شرایط تحقق این عمل «نیازمند بودن وام‌گیرنده» و «انگیزه‌های معنوی و آخرتی قرض دهنده» می‌باشد (هادوی نیا، ۱۳۸۹). خداوند (ج) می‌فرماید:

«إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَنَاً يُضَاعِفُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ» (تغابن، آیه ۱۷)

«اگر به خدا (بندگان محتاج خدا) قرض نیکو (قرض الحسنہ) دهید، خدا برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما در گذرد و خدا بر شکر و احسان خلق، نیکو پاداش دهنده است و بر گناهانش بسیار بردبار است.»

فرهنگ غنی اسلام با برانگیختن انگیزه‌های معنوی در صدد تنظیم رفتار مادی افراد جهت رفع نیازهای اقتصادی است. قرض الحسنہ در مقام پاداش از صدقه پیشی می‌گیرد. عرب‌مازار و کیقبادی در مقاله خود از حرّ عاملی می‌نویسد که امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

برای من محبوب‌تر است که مالی را قرض دهم تا آن را صدقه بدهم (عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵)

از مصارف و مخارج هر مسلمان، انفاق‌ها و صدقات مستحب و هدیه‌های او به دیگران است. در اسلام نسبت به هدیه‌های دوستانه نیز سفارش‌های فراوانی صورت گرفته است. بدینهی است مصارف بیش از حد متوسط در صورتی که در جامعه فقیر نباشد موارد مصرف مستحب را در برمی‌گیرد که دو قسمت است، یک قسمت به مصرف خود فرد می‌رسد و قسمت دیگر آن برای توسعه زندگی دیگران انفاق می‌گردد. این دسته از مصارف نیز بخشی از انفاق محسوب می‌شود، گرچه الزامی نیستند ولی تأکید فراوانی بر آنها شده است (موسایی، ۱۳۸۲). این‌گونه مصارف شامل مصرف بیش از حد کفاف و توسعه زندگی در صورت نبودن افراد نیازمند در جامعه و انفاقات و صدقات مستحب و... است.

### ۲-۳. مصارف حرام

از دیدگاه اسلام، مصرف مقدمه و ابزاری است برای نیل به سعادت حقیقی و کمال مطلوب؛ بنابراین، مصرف کالاها و خدماتی که آدمی را از رسیدن به مقصد و هدف نهایی بازمی‌دارد، ممنوع است (ایروانی، ۱۳۹۱).

در اسلام انواع مختلفی از مصارف حرام شمرده شده است؛ که این مصارف مایه‌ی فساد و تباہی و به زیان فرد و جامعه است. ایروانی و دیگران در کتاب خود از فرمایشات حضرت علی (ع) بیان می‌دارد که: آن حضرت فرمود بخشیدن این مال برای بندگی خدا بزرگ‌ترین نعمت و دادن آن در راه نافرمانی خدا از هر چیز محنت‌بارتر است (همان). که ذیلاً اشاره می‌نماییم:

**الف - تحريم استفاده از اشیایی که پاک نیستند، مثل شراب، گوشت خوک و ... براساس احکام اولی؛ و همچنان مصرف اشیایی که موجب هلاکت یا ضرر انسان می‌شود، مثل سم، هروئین، تریاک و ... براساس احکام ثانوی (تهرانی زاده، ۱۳۷۲).**

در قرآن کریم نیز دوری از این مصارف تأکید شده است.

خداوند (ج) می‌فرماید:

«وَ لَا تُلْقِوْا بِأَيْدِيْكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (بقره / ۱۹۵)»

«خود را به دست خود، به هلاکت نیفکید.»

آیات قرآنی بر این امر دلالت دارد که حلال آن است که طیب باشد و حرام آن است که خبیث باشد. طیب آن است که با سیستم بدن انسان سازگار است و ضرر ندارد و مورد پذیرش طبع است و خبیث آن است که مورد پذیرش طبع انسان قرار نمی‌گیرد و با سیستم و قوای بدن انسان هماهنگی ندارد.

### ب- مصارف نامشروع

این‌گونه مصارف در اسلام ممنوع قرار داده شده است و زیرا سبب زیان رساندن به خود و جامعه خواهد گردید در اسلام بر ممنوع بودن این مصارف تأکید صورت گرفته است.

حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید:

«لاتصرف مالک في المعاصي فتقدم على ربك بلاعمل (غرس، ج ۶، ص ۱۷۱)»

«مال خود را در گناه خرج مکن تا مبادا بدون عمل به حضور پروردگارت وارد شوی.»

همین‌گونه مصارف است که در برخی مواقع از لحاظ سیاسی و اقتصادی، سبب تسلط دشمنان بر مسلمین می‌شود. لذا مصرف چنین اموال بر اساس احکام ثانوی مورد تحريم واقع می‌شود.

### ج- اسراف

اسراف در لغت به معنای گزاف کاری کردن، درگذشتن از حد میانه، افراط، زیاده روی ... را گویند (دهخدا) و به معنای تجاوز کردن از اندازه و اعتدال است (زمانی محبوب، ۱۳۸۸). اسراف تجاوز از حد است در هر فعلی که آدمی انجام می‌دهد، هرچند بیشتر درباره خرج کردن و مصرف به کار می‌رود؛ و گاه به اعتبار اندازه و کمیت گفته می‌شود اسراف شده و گاه به اعتبار چگونگی و کیفیت (قلمی، ۱۴۰۲ ق، ص ۶۱۶).

صرف زیادتر از حد نیاز، از دیدگاه اسلام اسراف و حرام می‌باشد و مقصود از اسراف تجاوز از حد اعتدال است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳). از نظر اقتصادی اسراف زمانی رخ می‌دهد که منفعت نهایی خصوصی یک کالا مثبت باشد ولی کمتر از حد اجتماعی آن باشد. رعایت اعتدال در مصرف موجب پرهیز از اسراف می‌شود و عدم این رعایت باعث ارتکاب آن می‌گردد (صدر، ۱۳۷۴). اسراف نکردن سبب رعایت حقوق جامعه گردیده و همچنان توجه به اصل کلارای و استفاده حداکثر معقول از منابع خدادادی و جلوگیری از ریخت‌وپاش و اتلاف منابع است (موسایی، ۱۳۷۴).

اسراف در کل باعث وجود و عدم کارایی در جامعه می‌گردد و تبعات زیان‌بار اقتصادی اجتماعی نیز دارد که یکی از آنها، رشد فقر در جامعه است. نگاهی به اسراف کاری‌های عده‌ای در جامعه نشان می‌دهد که با پرهیز از اسراف می‌توان انسان‌های زیادی را از سطح اولیه زندگی برخوردار کرد. این امر، در صورت اجرا می‌توانست آثار اجتماعی فرهنگی مفید بسیاری را در جامعه به همراه داشته باشد.

در این سطح از مصرف افراد از حد طبیعی مصرف خارج شده و به زیاده روی در تأمین نیازهای مادی دچار می‌گرددند. تردیدی نیست که اسراف در مصرف روا نیست (ایروانی و دیگران، ۱۳۹۱). در قرآن کریم این واژه و مشتقات آن با معنای واحد و مصدقه‌های متعدد به کار رفته است و از انجام این عمل نهی فرموده است. در قرآن کریم آمده است:

«وَكُلُوا وَاشربُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّ لَآيَةً يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف، آیه ۳۱)»

بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا (ج) اسراف کاران را دوست نمی‌دارد.»

اسراف اختصاص به مصارف حرام و حتی مباح ندارد، حتی اتفاق در راه خدا هم اگر به حدی برسد که شخص خودش در سختی قرار گیرد اسراف است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً (فرقان، آیه ۶۷)»

و کسانی که هرگاه اتفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.»

"اُسراف وقتی بـهـتـنـهـایـی بهـکـارـنـرـود و باـتـبـذـیرـبـهـکـارـرـودـبـهـمـعـنـایـرـیـخـتـوـپـاشـکـمـیـمـالـاـسـتـ، ولـیـوقـتـیـبـاـتـبـذـیرـبـهـکـارـرـودـبـهـمـعـنـایـتـبـذـیرـهـمـمـیـبـاـشـ؛ یـعـنـیـمـعـنـایـرـیـخـتـوـپـاشـکـمـیـوـکـیـفـیـاـسـتـ" (موسائی، ۱۳۸۲).

علی (ع) می‌فرماید:

«للمصرف ثلاث علامات: يأكُل ما لِيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لِيْسَ لَهُ وَ يَلْبِسُ مَا لِيْسَ لَهُ» (خصال، ج ۱، ص ۸)

«آدم اسراف کار سه علامت دارد: آنچه که مال او نیست مصرف می‌کند و آنچه که متعلق به او نیست خریداری می‌کند و آنچه که حق و سزاوار آن نیست لباس می‌پوشد». برای شناسایی اسراف معیارهای همچون (اتلاف و تضییع، مصرف بالاتر از سطح زندگی عمومی، مصرف فراتر از توان مالی یا شأن، بخشش بیش از حد و صرف مال در معصیت) را می‌توان نام برد (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۱).

انسان بنا بر طبیعت نخستین خود، گرایش به افراط یا تغیریط ندارد و لذا اسراف خروج از حد و مرز الهی و فطری و چارچوب انسانی است، پس شخص مصرف انسانی نیست که در مسیر فطرت بشری حرکت کند، بلکه فردی متتجاوز است، به عبارت دیگر اسراف با واقعیت وجودی انسان در تضاد است. همان‌گونه که تجاوز از حد در خصوصیات روحی سبب از بین رفتن تعادل انسان و توازن شخصیت او می‌شود، گذشتن از حد در قضایای اقتصادی و مصرف کردن لوازم معیشت و زندگی مادی نیز سبب از بین رفتن تعادل رفتاری انسان می‌شود و در پی آن تباہی و نابسامانی پیش خواهد آمد (زمانی محجوب، ۱۳۸۸). به طور کلی در اسلام، مسلمانان از اسراف منع شده است. از مجموع آیات و روایات مربوط به اسراف استنباط می‌شود که اسراف شامل هر گونه مصرفی که به صورت آشکار و عرفانی از حد متعارف و شأن فرد بیشتر باشد، است. در برخی از روایات حد اسراف «حد کفاف» و در برخی «حد وسط» یا «حد اقتصاد» تعریف شده است. منظور از اقتصاد همان حد میانه و حد وسط است که از لحاظ کمی کوتاه‌ترین راه وصول به هدف است و از لحاظ کیفی به معنای رعایت حد اعدال است.

#### ۵- تبذیر

تبذیر در اصل به معنی پاشیدن بذر است ولی به نحو استعاره در معنی پراکنده ساختن مال، بدون جهت به کار رفته است؛ یعنی اگر به وجه صلاح باشد، تبذیر نیست (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲). مجمع البحرين درباره معنای تبذیر می‌نویسد: مبذیرین کسانی هستند که در خرج کردن تبذیر و زیاده‌روی می‌کنند و مال را در غیر آنچه خدا حلال و جایز دانسته مصرف می‌کنند

(طريحي، ۱۳۶۷). اين نوع شيوه مصرفی نيز در اسلام بسيار مورد نهي قرار گرفته است. در روایات در اين مورد آمده است:

«التبذير من الاسراف (بحار الانوار، ۲۵/۳۰۲)

«تبذير نوعي اسراف است.».

باید خاطر نشان ساخت که اسراف و تبذیر وقتی باهم می‌آیند دو معنا دارند. اسراف به معنای اتلاف کمی مال است و تبذیر، اتلاف کيفی و غيرعقلاني آن. در هر حال اسلام تبذير را نفی می‌کند و با نفی تبذير به کسی اجازه نمی‌دهد تا چگونه مصرف کردن را به دلخواه غيرشرعی خود شکل دهد و كيفيتi نامطلوب در امر مصرف به وجود آورد؛ يعني نمي شود در راههای مضر و راههای که اثر منفي در جامعه دارند هزینه کرد (حريري، ۱۳۶۲).

خداؤند متعال در قرآن کریم تبذیر و رفتار مبذرانه را نکوهیده و آنان را برادران شیطان می‌داند:

«إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيَاطِينَ لِرَبِّهِ كَفُورًا (اسراء/۲۷)

«چراکه تبذيرکنندگان، برادران شیاطین‌اند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسيار ناسپاس بود.»

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«ان عطاء المال في غير حقه تبذير و اسراف (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶)»

«خرج کردن نا به جا، به یقین، حیف و میل و اسراف است.».

#### ۴-۲. مصارف حرام دیگر

برخی مصارف دیگر در کتب فقهی نیز آمده است که از جمله محرمات هستند، مانند:

استعمال ظروف طلا و نقره، به کار گرفتن آلات لهو لعب و وسائل قمار برای همه حرام است. همچنین پوشیدن ابریشم خالص و خلا و ترئین به آن برای مرد حرام است. اگر مردی لباس زنانه بپوشد و یا زنی لباس مردانه بپوشد و نیز پوشیدن لباس شهرت که شخص با آن انگشت‌نما می‌شود، حرام است. اگر توجه کنیم می‌بینیم که رعایت این موارد اثرات فرهنگی مطلوبی را نیز در بی‌دارند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳).

## ۲-۵. مصارف مکروه (مرجوح)

### الف- مصرف بیش از حد متعارف:

صرف بیش از مقدار متعارف هر شخص، با وجود نیاز بیشتر برادران مؤمن او مکروه است. البته این امر در صورتی است که حداقل لازم برای ادامه حیات را سایر مردم داشته باشند، چون در غیر این صورت تأمین برادران مسلمان بر انسان واجب می‌گردد (تهرانی زاده، ۱۳۷۲).

### ب- تقتیر:

تقتیر در لغت، به معنای کمبود و تنگ گرفتن در رزق و روزی، نفقه را بر عیال تنگ گرفتن است (دهخدا). تقتیر که عبارت از تنگ گرفتن در مخارج زندگی، با وجود قدرت بر مصرف بیشتر می‌باشد از نظر اسلام مکروه شمرده شده است (موسائی، ۱۳۸۲). تقتیر دریاره مصرف مال به معنای خرج کردن مال به‌گونه‌ای که فقط انسان را از مرگ نجات داده و تنها رمقی برای وی باقی بماند. خداوند (ج) می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ فَوَّاً مَا (فرقان / ۶۷)»

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

در تعالیم دینی بر مصارف مجاز (الزمی و غیرالزمی) دو اصل حاکم است. یکی رعایت حد معین در مصرف است و دیگری توجه به مصرف دیگران است که با انگیزه‌های غیرمادی توسط فرد صورت می‌گیرد (موسائی، ۱۳۸۲). حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرمایند:

«كُنْ جَوَادًا مُؤْثِرًا أَوْ مَقْتَصِدًا مَقْدُرًا وَ اِيَاكَ اَنْ تَكُونَ الثَّالِثَ (غرر، ج ۲، ص ۵۶۶)»

«توانگر و بخشنده و یا میانه رو باش که بهاندازه درآمدت خرج کنی و سخت بپرهیز از اینکه سومی (بخیل یا مسرف) باشی».

بنابراین همان‌گونه که اسراف و تبذیر از دیدگاه اسلام مذموم و ناپسند است، سخت‌گیری و تنگ‌نظری در مخارج بر افراد تحت تکفل نیز مذموم و ناپسند است.

### حد مصرف

در اسلام مسلمانان در امر مصرف به میانه روی و حد اعتدال دعوت شده است این حد در برخی از روایات رعایت اقتصاد و حد میانه و در برخی از روایات حد کفاف و در برخی از روایات حد اعتدال معرفی شده است. همان‌طوری که عدم اسراف و تبذیر، به کنترل رعایت حد بالای مصرف و عدم

تقتییر به رعایت حد پائین مصرف توجه دارد، پس اعتدال و اقتصاد در میان دو حد اسراف و تقتییر (افراط و تفریط) قرار دارد و تجاوز از حد بالای آن حرام و کمتر از حد پائین آن مکروه است (موسایی، ۱۳۸۲). در قرآن مجید آمده است:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً» (فرقان / ۶۷)

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.»

### پیشینه تحقیق

تحقیقات انجامشده در مورد مسائل مرتبط با موضوع قرار ذیل می‌باشد.

۱. کتاب بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم اصفهان به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام. این پژوهش توسط دکتر میثم موسائی در سال ۱۳۸۲ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته است. در این تحقیق مطالعات نظری براساس متون دینی، اصول مقیده مطلوب مورد تأکید اسلام در زمینه تولید، مبادله و مصرف، معروفی شده که درمجموع ۳۴ اصل در این زمینه‌ها استخراج و معرفی گردیده است. مطالعات تکمیلی و تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد با توجه به اصول مقیده اسلام توسط پرسشنامه، به روش توصیفی-مقطوعی انجام پذیرفته است. نتایج حاصله از این تحقیق به شرح زیر بیان می‌گردد.

✓ درجه التزام به رفتارهای مطلوب دینی درزمینه مصرف ۴۴,۷ درصد می‌باشد و درجه اعتقاد به مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام درزمینه مصرف ۵۵,۳ درصد می‌باشد.

۲. کتاب بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم بهبهان به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام. این پژوهش توسط دکتر میثم موسائی در سال ۱۳۸۲ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته است. در این تحقیق مطالعات نظری براساس متون دینی، اصول مقیده مطلوب مورد تأکید اسلام در زمینه تولید، مبادله و مصرف، معروفی شده که درمجموع ۳۴ اصل در این زمینه‌ها استخراج و معرفی گردیده است. مطالعات تکمیلی و تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد با توجه به اصول مقیده اسلام توسط پرسشنامه، به روش توصیفی-مقطوعی انجام پذیرفته است. نتایج حاصله از این تحقیق به شرح زیر بیان می‌گردد.

✓ درجه التزام به رفتارهای مطلوب دینی درزمینه مصرف ۵۰,۷ درصد می‌باشد و درجه اعتقاد به مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام درزمینه مصرف ۴۳,۸ درصد می‌باشد.

۳. کتاب بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم بندرعباس به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام. این پژوهش توسط دکتر میثم موسائی در سال ۱۳۸۲ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته است. در این تحقیق مطالعات نظری براساس متون دینی، اصول مقیده مطلوب مورد تأکید اسلام در زمینه تولید، مبادله و مصرف، معرفی شده که در مجموع ۳۴ اصل در این زمینه‌ها استخراج و معرفی گردیده است. مطالعات تکمیلی و تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد با توجه به اصول مقیده اسلام توسط پرسشنامه، به روش توصیفی-مقطعی انجام پذیرفته است. نتایج حاصله از این تحقیق به شرح زیر بیان می‌گردد.

- ✓ درجه التزام به رفتارهای مطلوب دینی در زمینه مصرف ۷۰,۹ درصد می‌باشد و درجه اعتقاد به مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام در زمینه مصرف ۴۱,۴ درصد می‌باشد.

۴. مقاله اصول موضوعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت دینی، نویسنده داود منظور دانشیار دانشگاه امام صادق. در این مقاله نخست به بحث عقلانیت رفتار در اقتصاد متعارف پرداخته و مبنای تمرکز را در اقتصاد متعارف به عقل بیان داشته است، زیرا این نظام به دور از وحی الهی، رجوع به عقل را مرکز افهامشان می‌دانستند و همه تصمیمات بر مبنای عقل گرفته می‌شد و در نگاه دوم به عقلانیت رفتار در چارچوب دین پرداخته و بیان داشتند که تنها عقل برای تصمیم‌گیری و رفتار اقتصادی معقول کافی نیست و لزوم بجا و مهم در استفاده از وحی را در این مقاله بیان داشتند. همچنان موضوع عدالت را به عنوان اصل دیگری در رفتار اقتصادی فرد مسلمان مطرح می‌کند و درنهایت ابراز می‌دارد که انسان مسلمان که با روح معنویت تکامل یافته است، رفتار اقتصادی‌شان به دوراز اصول موضوعی چون نفع طلبی و سودجویی خواهد بود.

۵. تبیین عامل‌های پرکننده شکاف بین نظر و عمل در رفتار اقتصادی خانواده مسلمان. این مقاله در سال ۱۳۹۴ توسط وحید ارشدی، علی‌اکبر ناجی میدانی، مصطفی سلیمی فر و بهروز مهرام (استادی و دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد) در مشهد به رشته تحریر درآورده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سازگاری رفتار با آموزه‌های اقتصادی اسلام- عدم اسراف و تبذیر- با نظام پذیری جمعی درون خانواده، آینده‌نگری و تقویت اراده، رابطه معنادار مستقیم دارد که تحت تأثیر عامل‌های ساختاری و زمینه‌ای قرار می‌گیرند. قاعده‌مند شدن خانواده نیز تحت تأثیر کیفیت انتقال آموزه‌های اقتصادی اسلام، فرصت‌سازی و فرصت‌یابی تربیتی درون خانواده و کنش و واکنش درون خانواده نسبت به رعایت آموزه اقتصادی اسلام و کیفیت منع تأمین معیشت درون خانواده است.

۶. عزتی در سال ۱۳۸۲ در یک مطالعه‌ای با وارد کردن عنصر ایمان در تابع مطلوبیت مصرف‌کننده مسلمان، اثر ایمان مذهبی را روی رفتار مصرف‌کننده، تبیین کرده است. وی فرض می‌کند هر فردی دو نوع دارایی به نام مال و زمان دارد که قابلیت جانشینی دارند، سپس چارچوب رفتاری مصرف‌کننده مسلمان را تشریح کرده است. وی با استخراج تابع مطلوبیت فرد مسلمان، اثبات کرده است که تغییرها و شبیه این تابع از ایمان وی به آخرت و پاداش اخروی متأثر است.

۷. عزتی در سال ۱۳۸۸ در مقاله دیگری با عنوان اثر سرمایه مذهبی بر مصرف. اثبات می‌کند که مذهب بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی آثار مثبت دارد و در صورت وجود ایمان کافی و نیز سرمایه مذهبی مناسب و کافی در جامعه باعث تغییر مقدار مصرف طبقه‌های جامعه، نوع کالاهای خدمات مصرفی افراد و جامعه و نیز تغییر توزیع مقادیر درآمد و مصرف در جامعه شود.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از اقتصاددانان به نقش رفتارساز دین و اصول دینی بر رفتارهای اقتصادی افراد اذعان کرده‌اند، اما در افغانستان به عنوان کشور اسلامی تأنجایی که من تحقیق کردم در این زمینه مطالعه صورت نگرفته است و امیدوارم این تحقیق زمینه‌ساز تحقیقات وسیع در افغانستان گردد و راه تحقیق را برای سایرین هموارتر سازد.

### تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق در بخش مصرف

این پژوهش در صدد این است تا میزان التزام و اعتقاد مردم شهر کابل را به رفتارهای اقتصادی مطلوب در زمینه مصرف مورد بررسی قرار دهد. در مبانی نظری تحقیق با استفاده از منابع معتبر و مهم ۷ اصل شناسایی گردیده است که در ذیل به تفصیل نتایج داده‌ها در ارتباط به اصول مربوطه می‌پردازیم.

#### ۱. التزام به اصول مربوط به مصرف

اطلاعات ناشی از یافته‌های تحقیق در جدول شماره ۱ انکاوس داده شده است. داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۵ درصد افراد به اصل عدم اسراف و تبذیر التزام عملی دارند. مردان بیشتر از زنان اصل مذکور را مراعات نموده و با افزایش سن میزان التزام به این اصل کاهش می‌یابد، یعنی اشخاص در گروه سنی بالاتر، بیشتر مرتکب عمل اسراف می‌گردند. از لحاظ آماری بین درجه التزام به اصل مذکور و جنسیت، سن و تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد اما با وضع تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار رابطه معناداری ندارد.

زکات از جمله انفاق‌های واجبی است که مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات حاکی از آن است ۶۴ درصد افراد زکات می‌دهند، مردان بیش از زنان، مجردان بیشتر از متأهلین و افرادی که

شغل آزاد دارند بیش از افرادی که شغل دولتی دارند به این اصل التزام دارند، متغیر تعداد افراد خانوار با اصل زکات رابطه معناداری ندارد اما سایر متغیرهای مستقل بر متغیر زکات تأثیرگذار می‌باشد.

انفاق‌های مستحب از جمله رفتارهای دیگری است که در اسلام به پرداخت آن تأکید گردیده است. مصاديق انفاق‌های مستحب در این بررسی عبارتند از کمک به صندوق صدقات، نذر و قربانی کردن، کمک به مساجد، کمک به برگزاری مراسم مذهبی و کمک بلاعوض به دیگران. ۶۰ درصد افراد به اصل کمک به صندوق صدقات التزام دارند، زنان بیشتر از مردان، مجردان بیشتر از متاحلين و اشخاصیکه شغل آزاد دارند بیشتر از اشخاصیکه شغل دولتی دارند به صندوق صدقات کمک می‌کنند، با افزایش سطح تحصیلات و درآمد خانواده‌ها التزام به صدقه دادن نیز بیشتر می‌گردد. ۶۳ درصد افراد نذر و قربانی می‌کنند، ۶۳ درصد افراد التزام به کمک به مساجد دارند، ۵۷ درصد افراد به برگزاری مراسم مذهبی کمک می‌کنند و ۶۵ درصد افراد به دیگران کمک‌های بلاعوض می‌دهند. زنان نسبت به مردان بیشتر التزام به کمک به مساجد و کمک بلاعوض به دیگران دارند و در مقابل مردان بیشتر عمل نذر و قربانی را مرتکب می‌شوند. در بیشتر موارد رابطه تحصیلات و درآمد خانواده‌ها با اصل انفاق مستقیم بوده یعنی با افزایش سطح این متغیرها، التزام آنان نیز بیشتر می‌گردد اما در بیشتر موارد رابطه سن با میزان التزام به انفاق معکوس می‌باشد. در کل ۶۱،۱ درصد افراد به اصل پرداخت انفاق‌های مستحبی التزام دارند.

استفاده از ظروف طلا و نقره در اسلام حرام است. داده‌ها حاکی از آن است ۵۷ درصد افراد به این اصل التزام دارند و متباقی افراد کم و بیش از ظروف طلا و نقره استفاده می‌کنند. متاحلين بیشتر از مجردان و افرادی که شغل دولتی دارند بیشتر از افرادی که شغل آزاد دارند از ظروف طلا و نقره استفاده می‌کنند. با افزایش درآمد خانواده التزام به اصل مذکور افزایش یافته و افراد با درجه تحصیلی مختلف، به‌گونه‌یکسان به اصل مذکور التزام دارند. این اصل با متغیرهای سن، تحصیلات، وضع تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و متوسط درآمد خانواده‌ها رابطه معناداری دارد.

قرض ربوی (سود) از جمله مصارف حرام در اسلام است و آیات و روایات زیادی بر حرمت آن دلالت دارد. التزام به این اصل در جامعه مورد بررسی قرار گرفته و داده‌ها نشان می‌دهد که ۶۴ درصد افراد اصل مذکور را در روابط اقتصادی خود پیاده می‌نمایند. زنان بیشتر از مردان و افرادی که شغل دولتی دارند بیشتر از افرادی که شغل آزاد دارند پابند به اصل مذکور می‌باشند، با افزایش تعداد افراد خانوار التزام به اصل مذکور کاهش می‌یابد. از لحاظ آماری میان التزام به منع دادن قرض ربوی و جنسیت، سن، تعداد افراد خانوار و نوع شغل رابطه معناداری وجود دارد.

یکی از اصول دیگر قرض الحسن می‌باشد.<sup>۶۰</sup> درصد افراد جامعه به این امر التزام دارند، بین این متغیر و متغیرهای مستقل سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد افراد خانوار، نوع شغل و سابقه شغلی رابطه معناداری وجود دارد. متأهلین بیشتر از مجردان به این اصل پابند هستند و افرادی که شغل آزاد دارند بیشتر از افرادی که شغل دولتی دارند قرضه الحسن می‌دهند، با افزایش سن و درآمد خانواده‌ها التزام به اصل مذکور کاهش می‌یابد.

آخرین اصلی که مورد بررسی قرار گرفته منع سخت‌گیری در مصارف ضروری می‌باشد. اطلاعات حاکی از آن است تنها ۱۲ درصد افراد عمل تقتیر را مرتكب نمی‌شوند و متباقی افراد کم و بیش این عمل را انجام می‌دهند. زنان بیشتر از مردان، مجردان بیشتر از متأهلین و افرادی که شغل دولتی دارند بیشتر از افرادی که شغل آزاد دارند اصل مذکور را رعایت می‌کنند، با افزایش سطح سواد و تعداد افراد خانواده‌ها التزام به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.

نکته: راهنمای استفاده از جداول

۱. علامت + نشان‌دهنده رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل است.
۲. علامت - نشان‌دهنده عدم ارتباط بین متغیر وابسته و متغیر مستقل است.
۳. علامت (+) نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیل، سن و سابقه شغلی، التزام یا اعتقاد به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.
۴. علامت (-) نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیل، سن و سابقه شغلی، التزام یا اعتقاد به اصل مذکور کاهش می‌یابد.
۵. علامت (=) نشان می‌دهد که در گروههای مختلف تحصیلی، سن و سابقه شغلی به‌طور یکسان به اصول مربوطه التزام و اعتقاد دارند.
۶. علامت م+ به معنای این است که مردان رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.
۷. علامت ز+ به معنای این است که زنان رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.
۸. علامت ت+ به معنای این است که متأهلین رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.
۹. علامت ج+ به معنای این است که مجردان رفتار مطلوب را بیشتر انجام می‌دهند.

### جدول ۱. یافته‌های کلی (صرف) «درصد التزام»

متوسط درآمد ماهانه خانوار	نوع شغل	تعداد افراد خانوار	وضع تأهله	تحصیلات	سن	جنسیت	درصد التزام	رفاتارهای اقتصادی مطلوب در زمینه مصرف	شماره
-	-	-	-	+	+ (-)	+ م	۵۵	عدم اسراف و تبدیر	۱
+	+ ۱	-	+ ج	+	+	+ م	۶۴	انفاق واجب: زکات	۲
+ (+)	-	-	+ ت	+ (+)	+	+ ز	۶۰	انفاق‌های مستحب: کمک به صندوق صدقات	۳
+ (+)	+ ۱	+	+ ج	+ (+)	+ (-)	+ م	۶۳	انفاق‌های مستحب: نذر و قریانی	۴
+	+ ۵	+	+ ج	-	+ (-)	+ ز	۶۳	انفاق‌های مستحب: کمک به مساجد	۵
+	+ ۱	-	+ ج	+ (=)	+	-	۵۷	انفاق‌های مستحب: کمک به برگزاری مراسم مذهبی پلاعوض به دیگران	۶
+ (+)	+ ۵	+	-	+	-	+ ز	۶۵	انفاق‌های مستحب: کمک پلاعوض به دیگران	۷
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۱,۶	انفاق‌های مستحب در کل	۸
+ (+)	+ ۵	+ (+)	+ ت	+ (=)	+	-	۵۷	منع استفاده از ظروف طلا و نقره (صرف حرام)	۹
-	+ ۵	+ (-)	-	-	+	+ ز	۶۴	منع دادن قرض ربوی (صرف حرام)	۱۰
+ (-)	+ ۱	+	+ ت	+	+ (-)	-	۶۰	قرض الحسته (صرف مستحب)	۱۱
+	+ ۵	+ (+)	+ ج	+ (+)	+	+ ز	۱۲	منع تغییر	۱۲
.	.	.	.	.	.	.	۵۳,۴	میانگین کل رفاتارهای مطلوب	۱۳

### ۲. اعتقاد به اصول مربوط به مصرف

در بررسی میزان اعتقاد جامعه به رفاتارهای مطلوب، اطلاعات در جدول شماره ۲ گنجانیده شده است. داده‌ها حاکی از آن است که تنها ۱۸ درصد افراد به منوع بودن اسراف و تبدیر اعتقاد دارند، مردان بیشتر از زنان و متأهلین بیشتر از مجردین به اصل مذکور معتقداند، با افزایش سطح سواد، تعداد افراد خانوار و درآمد خانواده‌ها میزان اعتقاد به اصل ممنوعیت اسراف و تبدیر اعتقاد دارند و افرادی که دارای مشاغل دولتی و آزاد هستند به طور پکسان به اصل مذکور اعتقاد دارند. میان درجه اعتقاد به این اصل و همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری وجود دارد.

اصل دیگری که مورد بررسی قرار داده شده است انفاق واجب و مشخصاً زکات می‌باشد. ۴۰ درصد افراد جامعه به این اصل باورمند هستند، زنان بیشتر از مردان، مجردان بیشتر از متاهلین و اشخاص با شغل دولتی بیشتر از افرادی که شغل آزاد دارند به اصل پرداخت زکات اعتقاد دارند. با افزایش تعداد افراد خانوار و درآمد خانوارها اعتقاد به اصل مذکور کاهش می‌یابد، اما با افزایش میزان تحصیل این قضیه بر عکس بوده و اعتقاد افراد به اصل انفاق واجب کاهش می‌یابد. بین انفاق واجب (زکات) و همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری وجود دارد.

استفاده از ظروف طلا و نقره در اسلام حرام است. ۶۷ درصد افراد به حرام بودن آن اعتقاد دارند. تنها متغیر تعداد افراد خانوار بر این اصل تأثیرگذار نیست و سایر متغیرها با اصل مذکور رابطه دارد. مردان بیش از زنان و افرادی که شغل آزاد دارند بیش از افرادی که شغل دولتی دارند به درستی اصل مذکور معتقد‌اند، متاهلین و مجردان به‌گونه یکسان به این اصل باورمند هستند و با افزایش درآمد خانواده‌ها اعتقاد به منع استفاده از ظروف طلا و نقره نیز افزایش می‌یابد.

یکی از مصارف حرام دیگر که مورد بررسی قرار داده شده است قرض ربوی می‌باشد. ۶۵ درصد افراد به حرام بودن سود اعتقاد دارند. از لحاظ آماری میان این متغیر و متغیرهای سن، تحصیلات، تعداد افراد خانوار و متوسط درآمد ماهانه خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش سطح سواد، تعداد افراد خانوار و درآمد خانواده‌ها اعتقاد به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.

از جمله مصارف مستحب قرض الحسن می‌باشد که در آیات و روایات به دادن آن تأکید فراوانی صورت گرفته است. میزان اعتقاد به این اصل ۵۷ درصد بوده و مردان بیشتر از زنان، متاهلین بیشتر از مجردان و افراد دارای مشاغل آزاد بیشتر از افراد دارای مشاغل دولتی به این اصل باورمند هستند. میان درجه اعتقاد به اصل مذکور و جنسیت، سن، تحصیلات، وضع تأهل، نوع شغل و درآمد خانواده‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

آخرین اصلی که در بررسی میزان اعتقاد به رفتارهای مطلوب اقتصادی در زمینه مصرف مورد مطالعه قرار داده شده است منع سخت‌گیری در مصارف ضروری می‌باشد. اطلاعات حاکی از آن است که ۴۷ درصد افراد به این اصل اعتقاد دارند. مجردان بیشتر از متاهلین و افراد با مشاغل دولتی بیشتر از افرادی که مشاغل آزاد دارند عمل تقتیب را نادرست می‌دانند، با افزایش سن و درآمد خانواده‌ها اعتقاد به اصل مذکور نیز افزایش می‌یابد.

### جدول ۲. یافته‌های کلی (صرف) «در صد اعتقاد»

متوسط درآمد ماهانه خانوار	نوع شغل	تعداد افراد خانوار	وضع تأهله	تحصیلات	سن	جنسیت	درصد اعتقاد	رفتارهای اقتصادی مطلوب در زمینه مصرف	شماره
+ (+)	+ (=)	+ (+)	+ ت	+ (+)	+	+ م	۱۸	عدم اسراف و تبذیر	۱
+ (+)	+ د	+ (+)	+ ج	+ (-)	+ (+)	+ ز	۴۰	انفاق واجب: زکات	۲
+	+	+	+ ت	+ (=)	+ (-)	+ م	۵۸	انفاق‌های مستحب در کل	۳
+ (+)	+ آ	-	+ (=)	+	+	+ م	۶۷	منع استفاده از ظروف طلاء و نقره (صرف حرام)	۴
+ (+)	-	+ (+)	-	+ (+)	+	-	۶۵	منع دادن قرض ربوی (صرف حرام)	۵
+ (=)	+ آ	-	+ ت	+	+	+ م	۵۷	قرض الخسته (صرف مستحب)	۶
+ (+)	+ د	+ (+)	+ ج	+	+ (+)	-	۴۷	منع تغییر	۷
.	.	.	.	.	.	.	۵۰,۳	میانگین کل رفتارهای مطلوب	۸

### نتیجه‌گیری

۱. در بررسی التزام در بخش مصرف ۱۱ اصل شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته است. بیشترین رابطه را در بین متغیرهای مستقل با این اصول، متغیر سن دارد که با ۱۰ اصل رابطه معنادار دارد. در اکثر موارد با افزایش سن میزان التزام به اصول مذکور کاهش می‌یابد. بعد از متغیر سن، متغیرهای تحصیلات، نوع شغل و متوسط درآمد ماهانه خانوار که با ۹ اصل رابطه معناداری دارد قرار دارد. داده‌ها حاکی از آن است که با افزایش سطح سواد و درآمد خانواده‌ها، التزام جامعه به اصول مذکور نیز افزایش می‌یابد. در ۴ مورد از ۹ مورد کسانی که شغل آزاد دارند بیشتر از افرادی که شغل دولتی دارند، اصول رفتاری را رعایت می‌کنند و در ۵ مورد دیگر کسانی که مشغول کارهای دولتی‌اند بیشتر به اصول مذکور التزام دارند.

بعد از این متغیرها، متغیرهای جنسیت و وضع تأهله با ۸ مورد رابطه معناداری از جمع ۱۱ مورد قرار دارد. در ۵ اصل از جمع ۸ اصل، زنان بیشتر از مردان به اصول مذکور التزام دارند و مردان فقط در ۳ اصل از زنان پیشی گرفته است. همچنان در ۵ اصل از ۸ اصل مجردان بیشتر از متأهله‌ین به اصول مربوطه التزام دارند.

متغیر تعداد افراد خانواده با داشتن رابطه معناداری با ۷ اصل کمترین میزان تأثیرگذاری بر اصول مربوط به رفتارهای مطلوب در زمینه مصرف را دارا می‌باشد.

نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد که به طور متوسط ۵۳,۴ درصد افراد جامعه مورد بررسی به اصول مذکور در حوزه مصرف التزام دارند. آزمون کای دو نیز بر این امر دلالت دارد و با سطح اطمینان ۹۵ درصد تصدیق می‌دارد که بیش از نصف جامعه به رفتارهای مطلوب در بخش مصرف التزام دارند.

۲. در بررسی میزان اعتقاد جامعه به رفتارهای اقتصادی در حوزه مصرف ۷ اصل شناسایی شده است. متغیرهای تحصیلات، سن و متوسط درآمد ماهانه خانوار بیشترین تأثیرگذاری را در جمع سایر متغیرها دارا می‌باشد یعنی هر کدام به طور کامل با اصول مربوطه رابطه دارد. در بیشتر موارد با افزایش سن، سطح تحصیلات و افزایش درآمد خانواده‌ها، میزان اعتقاد به اصول مذکور نیز افزایش می‌یابد و افراد با درجه تحصیلات عالی بیش از سایرین پایین‌تر به اصول مذکور اند.

بعد از این متغیرها، متغیرهای وضع تأهل و نوع شغل که با ۶ مورد رابطه معناداری دارد بیش از سایر متغیرهای مستقل بر اصول مربوط به مصرف تأثیرگذار است. در ۲ مورد اشخاصی که شغل آزاد دارند بیشتر از اشخاصی که شغل دولتی دارند پایین‌تر به اصول مذکور می‌باشند و در ۲ مورد اشخاص با مشاغل دولتی بیشتر معتقداند و در ۲ مورد دیگر به صورت یکسان به اصول مربوطه اعتقاد دارند و متأهلین به میزان بیشتری نسبت به مجردان به اصول مربوط به مصرف اعتقاد دارند. متغیرهای جنسیت و تعداد افراد خانواده با ۵ اصل رابطه معناداری، کمترین میزان تأثیرگذاری را بر اصول ۷ گانه در حوزه مصرف دارا می‌باشد. مردان بیش از زنان به اصول مذکور اعتقاد دارند.

نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد ۵۰,۳ درصد افراد جامعه مورد بررسی به اصول مذکور اعتقاد دارند. آزمون t تک نمونه‌ای با رقم متوسط ۳ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد حاکی از آن است که افراد جامعه بیش نصفشان به اصول مذکور اعتقاد دارند. اختلاف درصدی مذکور با درصدی درجه التزام ناشی از خطای نمونه‌گیری خواهد بود و می‌توان گفت که بین درجه التزام مردم به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام در حوزه مصرف با درجه اعتقاد آن‌ها تفاوت چندانی ندارد و اعتقاد و رفتار آن‌ها باهم یکی است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، آزاد. ۱۳۸۸. تأثیرات متقابل فرهنگ و اقتصاد در جامعه. نورمگز، ۴۵، ۳۳-۲۸.
۳. اکبریان، رضا. ۱۳۸۶. بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد. نورمگز، ۱۲، ۳۲-۲۴.
۴. امام علی (ع). غررالحكم و درر الكلم آمدی. (ترجمه محمدعلی انصاری، ۱۳۸۱). قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (ع).
۵. امام علی (ع). نهج البلاغه. (ترجمه علی شیروانی، ۱۳۹۲). قم: دفتر نشر معارف.
۶. امیری تهرانی‌زاده، سیدمحمد رضا. ۱۳۸۲. ریشه‌های فرهنگی اقتصاد. نورمگز، ۲۵ و ۲۶، ۳۴-۳۲.
۷. ایروانی، جواد و دیگران. ۱۳۹۱. مصرف صحیح از نگاه اسلام. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۸. ایروانی، جواد. ۱۳۹۱. آشنایی با اقتصاد اسلامی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۹. ایروانی، جواد. ۱۳۹۳. نگاهی بر تأثیر فرهنگ بر پیشرفت اقتصادی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۰۱، ۱۵۱-۱۲۷.
۱۰. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۹۳. مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. تاری، فتح‌الله و غلامی باغی، سعید. ۱۳۹۰. تأثیر فرهنگ بر الگوی مصرف در کشور و راهکارهای بهبود آن. نورمگز، ۵۳، ۸۳-۷۵.
۱۲. حریری، محمد یوسف. ۱۳۶۲. اسلام و نظام اقتصادی. تهران: انتشارات امیری.
۱۳. دل‌انگیزان، سهراب. ۱۳۷۶. برخی از شناسه‌های اصلی فرهنگ اقتصادی. نورمگز، ۶۴، ۳۷-۳۴.
۱۴. رجایی، سیدمحمد‌کاظم و خطیبی، مهدی. ۱۳۹۱. معیارهای فقهی اسراف. نشریه اقتصاد اسلامی، ۴۵، ۷۶-۵۵.
۱۵. زمانی محجوب، حبیب. ۱۳۸۸. مصرف درآیات و روایات. نورمگز، ۳۲، ۲۲-۵.
۱۶. سیدقطب. عدالت اجتماعی در اسلام، (ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاهی، ۱۳۷۹). تهران: کلبه شرق.
۱۷. صادقی شاهدانی، مهدی و همکاران. ۱۳۹۲. مدل‌سازی مفهومی حد مصرف عقلایی از منظر اسلام. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱، ۱۵۷-۱۲۳.
۱۸. صدر، محمدباقر. اقتصاد ما. (ترجمه محمد‌کاظم موسوی، ۱۳۵۰). قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد. بی‌تا. مجمع البحرين. (ترجمه عادل محمود، ۱۳۶۷). قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۰. عرب مازار، عباس و کیقبادی، سعید. ۱۳۸۵. جایگاه قرض الحسن در نظام بانکی ایران. مجله اقتصاد اسلامی، ۶، ۴۶-۱۳.
۲۱. عزتی، مرتضی. ۱۳۸۸. اصلاح الگوی مصرف. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۲. قمی، عباس. ۱۴۰۲ ق. سفینه البحار و مدینه الحكم و لاثار. (ترجمه هادی صلواتی، ۱۳۹۳). تهران: مؤسسه انتشاراتی کتاب عقیق، نوید اسلام.
۲۳. کرمی، محمدمهردی و پورمند نبیزاده، محمد. ۱۳۹۳. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۲۴. لغت نامه دهخدا.
۲۵. محسنی، زنوزی و همکاران. ۱۳۹۱. تبیین الگوی مصرف در اسلام. نورمگز، ۳۱، ۲۱۸-۱۹۹.
۲۶. موسائی، میثم. ۱۳۸۲. بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم به رفتارهای اقتصادی توصیه در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۷. هادوی‌نیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۹/۰۳/۱۳). اوراق قرض الحسن. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۴.

